

**نگاهی به دوران فعالیت گائوک (هوشنگ)**

**در نهضت جنگل**

**دکتر فریدون شایسته**

همه منابع وقایع نگاری دوره نهضت جنگل، از این شخصیت خارجی نام برده اند. محمد علی گیلک ۱۴ بار، صادق مهنوش ۱۲ بار، ابراهیم فخرانی ۸ بار، سعدالله درویش، ۸ بار از او سخن به میان آورده اند. نویسنده این مقاله در صدد آن است که زمان ورود گائوک به نهضت جنگل، اقدامات وی و تحلیلی را که در مورد شخصیت، ملیت و علت همراهی وی را با سردار جنگل تا پایان حیات رهبری آن مورد نقد و بررسی قرار دهد.

### الف) گائوک (معروف به هوشنگ) در منابع واقعه نگاری

خسرو شاکری تنها منبع ایرانی را که اطلاعاتی درباره او داده، گریگور یقیکیان ذکر می کند. (شاکری، ۱۳۸۶: ۵۴۹).

این در حالی است که محمد علی گیلک از او هم سخن گفته است. محمد علی گیلک در انتهای کتاب خاطرات خود، در مورد کائوک (هوشنگ)، می نویسد:

"ما نتوانستیم از ملیت و تابعیت گائوک، چیزی به دست آوریم. اگر چه می گفتند که مشارالیه، آلمانی است. ولی روس بودن او بیشتر به صحت نزدیک بود، به هر حال روس یا آلمانی یا ملیت دیگر، این شخص تا آخرین نفس، با میرزا همراهی کرد و موقعی که دوستان میرزا یکی بعد از دیگری، او را ترک می کردند، گائوک، دوش به دوش او، کوه گردی و راهپیمائی می نمود. این شخص قبل از آن که به جنگل بیاید در اوایل جنگ بین الملل (۱۹۱۸-۱۹۱۴)، در اصفهان عضو ژنرال قونسول گری روس بود. پس از مدتی قلیل به تهران آمد و داخل بانک استقراضی گردید و بعد از شکست دولت تزاری و بروز انقلاب روسیه با بعضی از عناصر آزادی خواه تهران سر و کار پیدا کرده و با مساعی آن ها به رشت آمد که به انقلاب جنگل بپیوندد.

در این مسافرت، عباسقلی خان پسر بانوی عظمی با مشارالیه همراه بود و این مصادف با روزهای شکست قوای جنگل و عقب نشینی از منجیل و تصرف رشت و انزلی به دست قوای انگلیس بود. انگلیسی ها در نتیجه یک فقره راپورت (گزارش) "چند نفر از آن جمله، گائوک را دستگیر و حبس می نمایند. سپس او را به هندوستان تبعید می کنند. بعداً گویا آزاد شده و به روسیه می رود. بلشویک ها به ایران می آمدند، گائوک (هوشنگ)، به معیت آن ها به سمت مترجمی وارد انزلی گردید. کم کم به جنگلی ها پیوسته و علاقه زیادی به کوچک خان پیدا نمود و دائماً با او همکاری می کرد تا آن که در آغوش برف جان سپرد.

(گیلک، ۱۳۷۱: ۵۰۷)

ابراهیم فخرائی او را مترجم شخصیت های روسی در رشت معرفی کرده است که بنا به اظهار وی، بیانات ناطقین به زبان روسی را به "فارسی شکسته بست"، ترجمه می کرده است. (فخرائی، ۱۳۵۴: ۲۵۹).

گریگور یقیکیان، اطلاعات بیشتری از گائوک ارائه می دهد. در این گزارش، او به عنوان مترجم هیأت روسی معرفی می شود و اگر چه یقیکیان هم او را ژنرال کنسول گری روسیه چون محمد علی گیلک معرفی نموده است ولی نظر خوش بینانه ای درباره شخصیت او و ترجمه اش ابراز نکرده است. او می نویسد:

"... نطق کاژانوف را گائوک نام آلمانی از روسی به فارسی ترجمه می کرد. ولی عقاید سوسیالیستی کاژانوف در ترجمه گائوک تبدیل به عقاید اتحاد اسلامی گردید. مثلاً کاژانوف، کلیه زحمتکشان کشورهای خاور زمین را دعوت به مبارزه با جهانگیران و سرمایه داران داخلی و خارجی کرده بود، ولی گائوک، با ترجمه خود، مسلمین دنیا را دعوت به مبارزه با انگلستان و سرمایه داران اروپائی می نمود.

بعدها نیز گائوک که مترجم رسمی شده بود، مضمون سوسیالیستی نطق های نمایندگان شوروی را در ترجمه های خود تبدیل به عقاید اتحاد اسلامی می نمود. نمی دانم این آلمانی، با حالت روحی ایرانی ها به خوبی آشنا بود و نمی خواست آن ها را به وسیله نطق های سوسیالیستی روس ها منزجر نماید یا این که سیاست شخصی خود را داشت و می خواست از موقعیت خود استفاده نماید؟

گائوک، یک آلمانی تبعه روس بود و مدتی درژنرال کنسولگری روسیه امپراطوری در تهران، مقام منشی گری را داشت ولی چون در ایام جنگ، از مقام خود سوء استفاده کرده دست به کارهای غیر مشروع (در دوران جواز واردات)، زده بود، او را دستگیر کرده و روانه بادکوبه نموده بودند تا در دادگاه محاکمه شود. در اثر انقلاب فوریه ۱۹۱۷، مشارالیه، به اتفاق زندانیان دیگر از زندان آزاد شد و به ایران مراجعت نمود و مدتی به تبلیغات بر ضد انگلیسی ها و به نفع عثمانی ها و آلمانی ها مشغول بود.

ولی از طرف نظامیان انگلیسی، توقیف و به هندوستان فرستاده شد و چون روسی بود، بدین جهت انگلیسی ها او را به اُدسا فرستادند و به مقامات شوروی تحویل دادند. در روسیه، گائوک، خود را به حزب اشتراکی نزدیک نمود و توانست دوباره وسایل آمدن خود به ایران را فراهم سازد. او به عنوان مترجم، با فلوت سرخ وُلگا و بحر خزر و به همراهی کاژانوف و همکارانش، وارد انزلی شد و با آنان به رشت آمد.

وقتی که چندین بار مشاهده کردم که گائوک مضمون نطق های روس ها را غلط، ترجمه می کند، روزی از میرزا کوچک خان پرسیدم: آیا می دانید که گائوک، نطق های روس ها را صحیح ترجمه نمی کند، میرزا، در جواب گفت: شاید گائوک، مترجم بدی باشد ولی عجالتاً وجود او لازم است و باید در این سمت بماند، زیرا

هم رفقای من و روس ها، به او اطمینان کامل داریم. او یگانه، شخصی است که می تواند اتحاد جنگل با روس ها را نگه دارد.

یکی از پیشوایان روسی، گمان می کنم گوسف، رئیس چکا(سازمان جاسوسی و امنیتی روسیه تزاری)، درباره گائوک گفته بود: می دانم که گائوک دزد بوده و نطق های رفقا را غلط ترجمه می کند، ولی عجالتاً وجود او برای پیشرفت کار در ایران لازم است. همین که دیدم وجود او زیان آور است، وی را به روسیه عودت می دهم. (یقیکیان، ۱۳۸۶: ۹۳-۹۲).

یقیکیان، در چند صفحه بعد، دوباره یاد آور می شود: ..... در انشای ابلاغیه مورخه ۱۸ رمضان(۱۳۳۸ قمری برابر با ۱۷ جوزا( اردیبهشت) سال ۱۲۹۹ خورشیدی، کاژانوف و گائوک، نفوذ به خرج دادند ولی نفوذ گائوک، بیشتر و مؤثر تر از کاژانوف بود. کاژانوف، فارسی نمی دانست و گائوک درموقع ترجمه، معنی اظهارات طرفین را مطابق میل خود تغییر می داد. (یقیکیان، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

#### ب) مقایسه نوشته های وقایع نگاران درباره گائوک

از مقایسه ها بین نوشته های ییقیکیان و فخرائی چند نکته قابل مشاهده است:

۱- هر دو، گائوک را مترجم بین میرزا کوچک و هیأت نمایندگان اتحاد جماهیر شوروی می دانند. فخرائی علت ترجمه بد او را عدم تسلط کامل به زبان فارسی دانسته ولی ییقیکیان، او را در ترجمه، شخصی صادق و قابل اعتماد ندانسته است.

۲- بنا به نوشته هر دو، او قبل از انقلاب بلشویکی روسیه، از کارگزاران امپراتوری روسیه تزاری در ایران بوده است.

۳- ورود گائوک به رشت و نهضت جنگل، در ۱۷ ماه پایانی این نهضت بوده است.

۴- ییقیکیان به اشتباه در دوران حاکمیت بلشویک ها در روسیه از سازمان پلیسی و امنیتی "چکا"، که متعلق به دوران روسیه تزاری است نام برده است. در واقع او می بایستی به جای "چکا"، از سازمان "ک. گ. ب"، یاد می کرد.

محمد حسن صبوری، در خاطرات خود، نامی از گائوک (هوشنگ) نمی برد ولی یاد آور می شود که :

"گاژانف، که رئیس قوای بلشویک در ایران بود، نطقی به زبان روسی راجع به اتحاد آزادی خواهان ایران و روسیه ایراد نمود. بعد از نطق گاژانف، احسان الله خان نطق قرآنی کرد." (صبوری دیلمی، ۱۳۹۴: ۱۸۶).

صبوری دیلمی، از مترجم سخنرانی گازائف، که بدون تردید شخص گائوک (هوشنگ) بوده است، به عمد و یا به سهو نامی نبرده است. در حالی که براهیم فخرائی (۱۳۵۴: ۲۵۹) و گریگور یقیکیان (۱۳۸۶: ۹۲) متفقاً، گائوک را به عنوان مترجم معرفی کرده اند.

سفر گائوک را به ایران، می توان به ۳ مرحله تقسیم کرد:

الف) به عنوان پایگاه کنسول‌گری روسیه تزاری.

ب) بعد از انقلاب روسیه، به ایران آمد و پس از آشنایی با اندیشه های اتحاد اسلام به سود آلمان و عثمانی (متحدین) به فعالیت سیاسی علیه رهبر متفقین در جنگ جهانی اول (انگلیس)، پرداخت.

پ) ورود به همراه قوای اتحاد شوروی و در ذیل نیروهای تحت رهبری: راسکولنیگف، ارژنیکیدزه و ...

از نوشته سعدالله درویش می توان دریافت که گائوک (هوشنگ) تنها به عنوان مترجم در نهضت جنگل مشارکت نداشته است، او از گائوک به عنوان یکی از اعضای کمیته انقلاب نام برده است. (درویش، ۱۳۸۹: ۱۲۵).

پ) گائوک در تحقیقات جدید و اسناد دولتی

دکتر عبدالحسین نوائی در ذیل عنوان "برزگوار، حتی در مرگ، از مرگ نابهنگام ولی همزمان میرزا کوچک و گائوک، با احترام چنین یاد می کند: ".... میرزا می خواست پیش عظمت خانم فولادلو خلخالی برود. راه از ستیغ کوه های پر برف می گذشت در میان بوران برف و سرما، گائوک از پای در آمد. میرزا او را رها نکرد و در آن لحظات مرگ و زندگی، حاضر نشد که رفیق نیمه راه باشد. گائوک را به دوش کشید. چند قدمی پیش نبرده بود که از خستگی و گرسنگی بر خاک افتاد. دو دوست وفا دار، در کنار یکدیگر جان سپردند. (نوائی، ۱۳۷۵: ۳/۵۰۳).

در طی گزارشی که از رشت در تاریخ ۱۴ برج اسد (۱۴ مرداد) ۱۳۴۰ قمری به تهران فرستاده شده است، صاحب گزارش موسوم به "خیر السلطنه"، خبر شهادت میرزا کوچک و گائوک مخابره نموده است:

به عرض مقام منیع مبارک مد ظلّه العلی می رساند

مطابق اخباری که الساعه رسیده، میرزا کوچک در نتیجه تعقیب و تضيیقاتی که در اطراف شده، خود را به کوه های ماسال کشانیده قزاقان در عقب و طالش ها در جلو، راه فرار را مسدود و بالاخره در گردنه گیلوان، میرزا کوچک و گائوک، از شدت سرما تلف شده، طالش ها سرش را بریده و قزاقان به شهر آورده اند. تفصیل را رئیس اردو، به وزارت جلیله جنگ، عرض کرده، ورقه از لحاظ مبارک نیز خواهد گذشت، از رئیس

تلگرافخانه رشت راپورت خواستم، مختصری به طور اجمال گفته، مجدداً تأکید نمودم که اطلاعات بسیطتری از هر جهت تحصیل کرده را پورت دهد، محض اطلاع خاطر مبارک، جسارت به عرض نمود.

فدوی خیر السلطنه(اسناد نهضت جنگل، ۱۳۸۲: ۱۸۷)

در این گزارش، ۲ نکته قابل ملاحظه است:

۱- ۱۳۴۰ ه. ق معادل سال ۱۳۰۰ خورشیدی و ۱۹۲۱ میلادی است.

۲- میرزا کوچک، مورد تعقیب نیروهای ضرغام السلطنه(امیر مقتدر)، حاکم پونل و برادرش محمد خان سالار شجاع بودند ولی کسی سر میرزا را از تن جدا کرد و تحویل خان طالش داد، رضا اسکستانی نام داشت. (فخرائی، ۱۳۵۴: ۳۹۰). این درحالی است که محمد علی گیلک، از فردی به نام سرخان نام خلخالی اسکستانی به عنوان قاتل یاد کرده است که بین دو منبع واقعه نگاری در ذکر نام قاتل سردار جنگل، اختلاف وجود دارد. محمد حسن صبوری دیلمی و صادق مهنوش، از فرد خاصی به عنوان قاتل میرزا کوچک ذکری به میان نیاورده اند.

میر احمد مدنی، فتح الله خان طالش از اقوام ضرغام السلطنه(سردار مقتدر طالش) و رضا خلخالی اسکستانی را مشترکاً، قاتلان میرزا کوچک نام برده است. (مدنی، ۱۳۷۷: ۸۵) صادق کوچک پور، خود در مورد فرجام میرزا کوچک و گائوک سخنی نگفته ولی دیدگاه ابراهیم فخرائی را مورد تأیید قرار داده است. (کوچک پور، ۱۳۶۸: ۸۸).

### ت) پایان غم انگیز زندگی گائوک (هوشنگ)

دکتر نعمت الله شهرستانی در کتاب: گائوک (افسر آلمانی در ارتش نهضت جنگل، احتمال داده است که جسد گائوک به وسیله جانوران درنده در جنگل های ماسال از بین رفته باشد).

شهرستانی از تنها دختر گائوک به نام "هیلدگارت"، و سرنوشت او، چنین یاد کرده است:

"هیلدگارت، دختر گائوک، با دریافت نامه پدرش از محل اقامت او آگاه شد. نامه را "فن پاشن اتریشی"، که تا آخر جنگ اول (۱۹۱۸ م)، همراه گائوک در جنگل های گیلان بود با خود برده بود. احتمالاً تا سال ۱۹۲۱ م، گاه گاه نامه هایی بین پدر و دختر رد و بدل شده باشد. بعد از مرگ گائوک (سال ۱۹۲۱ م)، این ارتباط به کلی قطع شد. در سال ۱۹۲۳ م، هیلدگارت، برای جستجوی پدر از راه باکو و انزلی به رشت آمد. در رشت، تنها کسی که به زبان آلمانی آشنایی داشت، دکتری بود که تحصیلات پزشکی اش را در برلن گذرانده و در رشت مطب داشت. هیلدگارت به وی معرفی شد و درخانه اش مسکن گزید. بعد از مدتی هیلدگارت و آن

دکتر با هم ازدواج کردند. حدود یک سال بعد هواپیمائی از تهران به رشت پرواز کرد و در فرودگاه خاکی آن روز که در سلیمانداراب (نزدیکی آرامگاه فعلی میرزا کوچک)، قرار داشت فرود آمد. خلبان هواپیما برای درمان بیماری‌اش، به همین دکتر مراجعه کرد. دکتر ضمن معالجه اش از وی پرسید که آیا می‌تواند خانمش را با هواپیما به تهران ببرد؟ خلبان موافقت کرد. در آن روزها مردم به این نوع هواپیما ها، به دلیل صدائی که هنگام پرواز داشت، "قارقارک" ، می‌گفتند. هیلدگارت، به مقصد تهران سوار هواپیما شد ولی در نیمه راه، سقوط کرد و هیلدگارت و خلبان هر دو جان باختند. بدین طریق هم پدر، گائوک و هم دختر، هیلدگارت، در ایران جان سپردند. (شهرستانی ، ۱۳۹۱: ۱۷۳-۱۷۲). دکتر نعمت الله شهرستانی برای این نوشته اش، سندی ارائه نمی‌دهد.

### نتیجه گیری

بنا به رأی اکثریت منابع، گائوک (هوشنگ)، یک فرد آلمانی بوده است. تاریخ نگاران شوروی سابق به شکل توجیه ناپذیری در مورد وی سکوت اختیار کرده‌اند. او علاوه بر عنوان مترجم در نهضت جنگل، در اوت ۱۹۲۰ (مرداد ۱۲۹۹ خورشیدی)، به همراه میر صالح مظفر زاده به مسکو رفت تا با لنین دربارهٔ اختلاف میرزا کوچک با رهبران حزب کمونیست ایران مذاکره کند. وی که از سوی میرزا کوچک هوشنگ خوانده می‌شد چنان مجذوب شخصیت سردار جنگل شد که هیچ‌گاه بازگشت به وطن در اندیشه او راه نیافت. از بازگشت به روسیه و یا آلمان خودداری کرد و در شمار یکی از محارم رهبر جنگلی‌ها در آمد. وی تا واپسین لحظات، در کنار کوچک خان ماند و همراه او بر اثر خستگی و گرسنگی زاید الوصف در هجوم سرما و برف جان به جان آفرین سپرد.

## منابع و مأخذ

- درویش سعدالله (۱۳۸۹)، خاطرات، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- شهرستانی نعمت الله (۱۳۹۱)، گائوک، افسر آلمانی در ارتش نهضت جنگل، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
- شاکری خسرو (۱۳۸۶)، میلاد زخم (جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران)، ترجمه شهریار خواجیان، تهران، انتشارات اختران.
- صبوری دیلمی محمد حسن، ۱۳۹۴، نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل، رشت، فرهنگ ایلیا.
- فخرائی ابراهیم، ۱۳۵۴، سردار جنگل، تهران، انتشارات جاویدان.
- کوچک پور صادق (۱۳۶۸)، نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی - اجتماعی گیلان و قزوین، رشت، نشر گیلکان.
- گیلک محمد علی، ۱۳۷۱، تاریخ انقلاب جنگل (به روایت شاهدان عینی)، رشت، نشر گیلکان.
- مدنی میر احمد، ۱۳۷۷، جنبش جنگل و میرزا کوچک خان، به کوشش سید محمد تقی میر ابوالقاسمی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مهنوش صادق، ۱۳۹۹، تاریخ جنگل، به کوشش محمد کلهر، تهران، انتشارات شیرازه.
- مجموعه اسناد نهضت جنگل، ۱۳۸۲، رشت، انتشارات شهر باران.
- نوائی عبدالحسین، ۱۳۷۵، ایران و جهان (از مشروطیت تا پایان قاجاریه)، تهران، جلد سوم، انتشارات هما.
- یقیکیان گریگور، ۱۳۸۶، شوروی و جنبش جنگل، به کوشش برزویه دهگان، تهران، نشر اختران.